

انتشار «در فرانسه تک‌درختی هست» به قلم وحید جلیلی



جدیدترین کتاب وحید جلیلی، نویسنده و فعال فرهنگی چپ‌به‌انقلاب منتشر شد. به گزارش فارس، «در فرانسه تک‌درختی هست»

عنوان تازه‌ترین کتابی است که با نامی بر جهان انقلاب اسلامی ایران به قلم وحید جلیلی چاپ و روانه بازار نشر شده است. این کتاب که از سوی انتشارات معارف در ۱۲۰ صفحه منتشر شده با نثری زیبا مخاطب را با پیش آمدها و تأثیرات انقلاب اسلامی بر جهان، انحرافات پیش پای انقلاب و اقیانوس پیش رو و مسیر پیشرفت‌های انقلاب آشنا می‌کند. «مکتب ملکوئی جمع»، «فزه در محاصره جهان در اشغال»، «حزبالله از نوع حزب‌الله»، «سلام جهاد، مبنای مسجد آباد»، «استراتژی سطل آب»، «آرمایشگاه‌های سلاح کشتار جمعی در کنار کتابخانه‌های حقوق بشر»، «گر خانه محقر است و تارک بردیده روشن نشانی»، «لیبرالیسم علیه امپریالیسم»، «در فرانسه تک‌درختی هست» و «عهد مالک و خاورمیانه جدید» ۱۰ فصلی است که مطالب این کتاب را تشکیل می‌دهد.

انتقادهای میرباقری از مسؤلان چقدر باید برای ساخته شدن «سلمان» زخم بخورم؟

داوود میرباقری با انتقاد از وضعیت فرهنگی و رویکرد مسؤلان در این سال‌ها که باعث شده فیلمنامه «سلمان» وی امکان ساخته شدن پیدا نکند، از اهمیت پرداختن به شخصیت سلمان سخن گفت. به گزارش مهر، داوود میرباقری، کارگردان آثاری همچون مختارنامه، معصومیت از دست رفته، مسافر ری و امام علی (ع) با گلّه از مسؤلان فرهنگی و همچنین نیروهای متدین و مذهبی به دلیل قصور در تولید آثار فاخر و اثرگذار بر روح جامعه گفت: چقدر باید به خاطر «سلمان» روح و زندگی زخم بخورد؟ این زخم‌ها زمانی اجر دارد که نتیجه داشته باشد. من ۱۵ سال پیش «سلمان» را نوشتم و آماده است، یعنی دیگر خسته شدم از این نوع کار کردن، یعنی شما سال‌ها زحمت می‌کنی ولی آخر کار با آنچه فکر می‌کردی تفاوت دارد و موضع گیری‌ها، کمبود امکانات و یک تغییر مدیریت این همه لطمه به کار وارد می‌کند. سلمان را اینگونه نخواهم ساخت، سلمان را همانطوری می‌سازم که فکر می‌کردم، همانطوری می‌سازم که نوشتم. به اعتقاد من «سلمان فارسی» یک پروژه جهانی است بویژه که موضوع جستجوی خدایست از همه جهانیان سال‌هاست با آن درگیرند. شخصا به لحاظ ساختار همه بضاعت را گذاشتم روی فیلمنامه تا کار جذابی شود تا هم مخاطبان حرفه‌ای و هم مخاطبان عام از آن لذت ببرند. این نویسنده و کارگردان با انتقاد از بهانه برخی مدیران که بودجه را عامل تولید نکردن آثاری همچون سلمان می‌دانند، اظهار کرد: «مختار» به روایتی ۲۵ میلیارد و به روایتی دیگر ۳۰ میلیارد هزینه داشت. فارغ از پخش چندین باره از تلویزیون و عرضه در دیگر کشورهای مسلمان، به طور متوسط چند خانواده ایرانی یک مجموعه «مختار» را خریده و در خانه دارند؟ آن هم مجموعه‌ای که قیمتش ۱۵ تا ۱۶ هزار تومان است. بر این اساس مگر می‌شود هزینه تولید برگشته باشد. وی با اشاره به وقتی که برای «سلمان فارسی» گذاشته، خاطر نشان کرد: می‌خواهم باقیمانده عمرم را با سلمان بگذرانم. مسلمان همان کسی بود که به دنبال منجی می‌گشت و قبل از اسلام به مسیح به عنوان منجی فکر می‌کرد اما بعد از اسلام عشق به علی است که حالش را خوب می‌کند.

تکذیب یک خبر درباره آستان قدس رضوی

مدیرکل روابط عمومی و امور رسانه آستان قدس رضوی با اشاره به حواشی اخیر درباره خبر ورود عکاسان رسانه‌ها به حرم مطهر رضوی گفت: آستان قدس رضوی همواره با آغوش باز پذیرای همه رسانه‌های کشور است و مطالب مطرح شده درباره ممانعت از حضور عکاسان رسانه‌ها در حرم مطهر رضوی نادرست است. به گزارش روابط عمومی آستان قدس رضوی، این آستان مبارک در ایام تاسوعا و عاشورای حسینی میزبان بیش از ۵۰ رسانه مکتوب و مجازی و ۱۳ شبکه تلویزیونی است که نسبت به سال‌های گذشته افزایش چشمگیری داشته است. همه رسانه‌های کشور می‌توانند با هماهنگی با این اداره کل از فیض حضور در حرم مطهر رضوی بهره‌مند شوند و به عنوان خادمان رسانه‌ای این آستان مقدس فعالیت کنند.

نگاهی به مجموعه داستان عاشورایی «کاشوب»

کتابی از روضه‌هایی که زندگی می‌کنیم



زینب افراخته: همین که فهمیدم کتابی منتشر شده که درباره نسبت آدم‌ها با روضه امام حسین (ع) است، نیت کردم حتما بخوانمش. کتاب «کاشوب» مجموعه ۲۳ روایت از آدم‌های مختلف است که درباره تجربه‌شان از حضور در مجالس عزاداری ابا عبدالله (ع) گفته‌اند. ۲۳ روایتی که هر کدام حال و هوای خودشان را دارند و داستان خودشان را تعریف می‌کنند. داستان‌هایی که از نسبت آدم‌های امروز با امام حسین همین عصر و زمان حرف می‌زنند. روایت‌ها همه واقعی و رئال هستند و جزئیاتی در خود دارند که همه ما آنها را در زندگی و اطرافمان دیده‌ایم و تجربه کرده‌ایم. من شخصا بیش از دو سوم روایت‌های کتاب را دوست داشتم و گمان می‌کنم این موفقیت کمی نیست که مخاطب به مجموعه‌ای که راوی واحد ندارد، بیشتر روایت‌ها را ببینند و به خاطر بسپارند. این یعنی نفیسه مرشدزاده، دبیر این مجموعه کار خودش را با وسواس و دقت انجام داده است. سختگیری‌ای که به نظر می‌رسد جواب داده است. «کاشوب» داستان‌های مختلفی را در خود دارد. داستان روحانی جوانی که برای سخنرانی به کوره‌پزخانه‌های اطراف تهران می‌رود و با مستضعفان آن مناطق دخور می‌شود. آخوندی که صادقانه از احوالات و اشتباهاتش می‌نویسد و از اقتضائات موقعیت و جایگاه اجتماعی و وضع معیشتش به مثابه یک منبری تازه‌کار می‌گوید. آدمی که بعد از خواندن قصه‌اش دوست داری او را بشناسی و فراتر از یک اسم و فامیل این‌تای روایت، ببینی کیست، زن جوانی که ساکن کاناداست و داستان روضه گرفتن‌های خانگی‌شان را در آن طرف دنیا تعریف می‌کند، روضه‌ها و مجالسی که از هیچ شروع می‌شوند اما به برکت اخلاص بچه شیعه‌های در غربت‌مانده ساکن آمریکای شمالی کم‌کم پا می‌گیرند و سلوغ و ماندنی می‌شوند. زن جوانی که دانشگاهی است اما ته نداشتن نسب می‌برد به مادران و زنان ایرانی که تدبیر منزل می‌فهمند و هر کدام‌شان یک پا میدارند. برای همین، موقع خواندن این روایت، پاراگراف به پاراگراف یاد مادرت و خاطراتت از هیات‌داری‌های او می‌افتی و می‌بینی انگار فاصله و بعدی بین ایران و کانادا نیست و زن ایرانی پای روضه‌داری امام حسین (ع) که در

میان باشد، یک جور جان و زندگی می‌گذارد. بین روایت‌های «کاشوب» نشانی از بزرگان و بزرگوارانی می‌بینی که پای منبرشان حال‌ها و «آن‌ها» تکرارنشدنی‌ای را از سر گذارنده‌ای و مجالس‌شان ذخیره زندگی‌ات شده‌اند. روایتی که از «حاج آقا مجتبی تهرانی» می‌خوانی حالت را عوض می‌کند و بغض را می‌آورد توی گلویت. جمله به جمله مطلب را با حسرت و دروغ می‌خوانی و وقتی راوی حال و هوای مجالس مسجد بازار را ترسیم می‌کند، خاطرات از منبرهای حاج آقا جلوی چشمت می‌آیند و می‌بینی چقدر «آقا مجتبی» را دوست داشتی. چقدر دوست داری... وقتی در روایتی دیگر شرح منبرها و روضه خواندن «آیت‌الله جوادی آملی» را می‌خوانی، حظ می‌کنی از دقت راوی در توضیح و ترسیم لحن منحصر به فرد صحبت کردن آقای جوادی و همان موقع صدا و لحن ایشان در گوشت می‌پیچد و همه اینها برای تو خیلی عزیز است. خیلی لذتبخش است... پژوهشگری از داستان سال‌ها عمر گذراندش در حوزه مطالعه آیین‌های سوگواری ابا عبدالله (ع) می‌گوید. از موقعیت پارادوکسیکالش؛ موقعیت «شیعه شیعه‌پژوه». آدمی که هم گریه‌کن امام



حسین (ع) است و هم باید از منظری پژوهشی، مناسک و آیین‌های عزای سیدالشهدا (ع) را بررسی کند و این کار را سخت می‌کند و چقدر شرح حال و موقعیت او خواندنی است. تا جایی که حتی روی توبه به مثابه مخاطبی که گاهی با مواضع و نگاه این پژوهشگر همراه نیستی، تأثیر می‌گذارد و همدلی برمی‌انگیزد. روایت این پژوهشگر از بیچ و خم مسیر کار علمی و پژوهشی‌اش را می‌خوانی و احساس می‌کنی فارغ از نتیجه کارها و تالیفاتش، حرف‌هایش در توضیح مسیری که آمده و پیچیدگی‌ها و دشواری‌های رانش به لذت می‌نشیند. مادر جوانی که دوران بارداری‌اش را با ذکر و یاد امام حسین (ع) گذرانده و حضرت به او و بچه در پطنش این توفیق را داده که ۴۰ روز آخر بارداری را هر روز با زیارت عاشورا بگذراند. مادری که روایت آمیختن، آمیختن به توجه و التفات ابا عبدالله (ع) آنقدر دلنشین و آشنا و تجربه شده که با خواندن جملاتش گریه‌ات می‌گیرد و می‌بینی چقدر امام حسین او شبیه امام حسین خودت است. «کاشوب» روایت‌هایی دارد از آدم‌هایی که از نسبت‌شان با ابا عبدالله (ع)، از خاطرات کودکی و از روضه‌های خانگی‌شان حرف زده‌اند. از چیزهایی

رضا اسماعیلی مطرح کرد

شعر «ضد آیینی» در محرم!



بی‌اعتنایی تمام به شأن و جایگاه بزرگان دینی، از زبان اهل بیت به عجز و لایه و آه و آو خ گویی پرداخته است. در حالی‌که معصومین و خاندان رسالت اسوه‌های عزت نفس، مناعت و طبع، شهامت، شجاعت، پایداری و استقامت بودند و در سخت‌ترین شرایط نیز حسرت یک آخ را هم بر دل دشمن گذاشته‌اند. شاعرانی که با چنین بیانی از زبان خاندان رسالت سخن می‌گویند، جان و چهل آموزه‌های دینی را درنیاخته‌اند و با سیره عملی بزرگان دین آشنا نیستند، اگر نه هرگز به خود اجازه نمی‌دانند شعرهایی از جنس شعر زیر بگویند. در شعر زیر شاعر از زبان مولی المودحدین، علی (ع) سخن می‌گوید (با عذرخواهی از ساحت ملکوتی آن امام‌همام).

زیر چشمان زن من جای دست مرد بود
زیر چشمانم ورم افتاد، دستم بسته بود
به گمانم میخ را محکم نکوبیدم به در
در به روی همسرم افتاد، دستم بسته بود
سرودن چنین شعرهایی نشانه آن است که ما در منزل «حجبت» اهل بیت (ع) متوقف مانده‌ایم و به قله «عرفت» صعود نکرده‌ایم. به تعبیر سادتر اهل بیت را دوست داریم ولی آنها را خوب نمی‌شناسیم و دوستی ما با بزرگان دین مثل «دوستی خاله خرسه» است، یعنی به‌رغم اینکه نیت‌مان خیر است و می‌خواهیم آنها را بزرگ کنیم، کوچک‌شان می‌کنیم و به جای سربلندی، باعث سرشکستگی‌شان می‌شویم. من یقین دارم

با به این حریم مقدس بگذارد و دست به خلق و آفرینش آثار ادبی بزند. شعر عاشورایی باید شعری باصلاست و «عزت‌مدار» باشد و در قاب و قالب شعرهای زیر، حماسه انسان‌ساز حسینی را در پیش چشم جهانیان به تماشا بگذارد: «هیهایت منا الذله؛ دور باد از ما ذلت و خواری»، «أَنَا الْخَسِيُّنُ بَيْنَ عَلِيٍّ الْبَيْتِ أَنْ لَا أَتَيْنِي»، «أَحْمَى عِيَالَاتِ أَبِي، أَمْضَى غَلِي دَيْنِ الْبَيْتِي»، منم حسین ابن علی، سوگند یاد کردم که آدر برابر دشمن‌ا سر فرود نیآورم، از خاندان پدرم حمایت می‌کنم و بر دین پیامبر، هستم».

نمی‌زد: قَالَ الْإِمَامُ الْخَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تَقْوُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا شِينًا، جُرُوا لِإِنِّمَا كَلَّ مَوَدَّةً، وَ أَدْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قَبِلَ فِينَا مِنْ حَسَنٍ فَتَحَنَّنْ أَهْلُهُ وَ مَا قَبِلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا تَحَنَّنْ كَذَلِكَ، تَقَوَى الْهَيَّ رَا- در همه امور- رعایت کنید و زینت‌بخش ما باشید و مایه ننگ ما قرار نگیرید، سعی کنید افراد را به محبت و علاقه ما جذب کنید و زشتی‌ها را از ما دور کنید. درباره ما آنچه از خوبی‌ها بگویند صحیح است و ما از هرگونه عیب و نقیصی مترا خواهیم بود.» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۲)

فراخوان هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار منتشر شد

دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم عمار، فراخوان هشتمین دوره خود را در ۵ بخش رقابتی و موضوعات مختلف منتشر کرد. به گزارش «عمارفیلم»، فراخوان هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار با موضوعات «تاریخ معاصر ایران»، «فشنه سال ۸۸»، «بیداری اسلامی و جهانی»، «هقد درون گفتمانی»، «جنگ نرم»، «اقتصاد مقاومتی» و «هلت قهرمان» منتشر شد. متقاضیان شرکت در جشنواره، تا ۲۰ آبان فرصت دارند آثار خود را در بخش‌های «فیلم»، «نقد مقاله و پژوهش‌های سنیمائی»، «تولیدات رادیویی»، «فیلم ماس» و «آگهی بازرگانی و اقلام تبلیغاتی» با مراجعه به تارنمای AmmarFilm.ir ثبت و حداکثر تا ۵ روز پس



«باساقی العطاشا» جدیدترین نقاشی عاشورایی حسن روح‌الامین



حسن روح‌الامین جدیدترین نقاشی خود را به سقای دشت کربلا حضرت ابوالفضل (ع) اختصاص داده و آن را «یا ساقی العطاشا» نامیده است. به گزارش فارس، حسن روح‌الامین، نقاش جوان و عاشورایی کشورمان از جدیدترین اثر خود با عنوان «یا ساقی العطاشا» رونمایی کرد. این اثر که با تکنیک دیجیتال خلق شده است، به حضور سقای دشت کربلا حضرت ابوالفضل (ع) میان اهل خیام اشاره دارد.

کج‌دهنی کارگردان فیلم حامی فتنه به حس وطن پرستی هموطنانش؟! رضا درمیشیان، کارگردان فیلم توقیفی

حمی فتنه «عصبانی نیستم» داور بخش رقابتی «فیلم‌های کوتاه» دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «سلیمانیه» در شهر سلیمانیه در کردستان عراق شد. به گزارش «وطن امروز»، اعضای هیات داوران بخش رقابتی «فیلم‌های کوتاه» دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «سلیمانیه» که درمیشیان یکی از اعضای آن است، ۴۷ فیلم از کشورهای مختلف را داوری می‌کنند. نکته جالب حضور درمیشیان، کارگردان فیلم توقیفی و حامی فتنه «عصبانی نیستم» در میان هیات داوران این جشنواره است، آن هم در شرایطی که منطقه کردستان عراق در چند هفته اخیر به واسطه نفوذ و دخالت آشکار رژیم صهیونیستی در میان سران این منطقه و با وجود مخالفت جدی جمهوری اسلامی ایران، به دنبال جدایی از کشور عراق است. آیا حضور این کارگردان جوان در یک جشنواره که سابقه و اعتبار در اقلیم کردستان عراق آن هم در بجهت تنش‌ها میان طرف ایرانی و کرد را باید نوعی کج‌دهنی از سبزی او به حس وطن پرستی مردم کشورمان دانست؟

کوفی‌نامه

عبور

فاطمه عبدالوند

عبور می‌کنند از روز دهم ۱۰ کربلا... بدن‌های پاره پاره‌ای که روی زمین رها شده و کسی خاکشان نکرد... از سکنه و رباب و سجاد عبور کرده بودند... که با دست‌های بسته و لباس‌های به خاک نشسته مرثیه‌خوان جسم صد چاک حسین بودند... عبور کرده بودند از نینه‌هایی که جسم مطهر حسین را در خودش غرق کرده بود... عبور می‌کردند از کربلا بدون حسین... بدون علمدار... نه علی‌اکبر و عباسی کتار زینب‌اند که یاری‌اش کنند... حالا چه بازگشتی؟

با دست بسته و شترهای بی‌جهاز... به کوفه که می‌رسند، کربلا تکرار می‌شود... دل‌ها خون برای، آن کس که سپاهش غارت شد... با لب‌های تشنه شهیدش کردند... به فدای آن کس که محاسنش به خون خضاب شد... منتظران از باوم و کوجه‌اکمین کرده‌اند، اسیر ببینند... همان‌ها که نامه‌های پر از التماس‌شان، حسین را روانه کربوبلا کرد... ناگهان منتظران، قائلین حسین شدند... آنان که صدای الهی العفو قوت نماز شب‌شان دل سنگ را آب می‌کرد، کم آوردند در فهمیدن صدای پای حق... کوفیان ایمان از کف داده‌هل هله می‌کنیدند... حسین اما نگاهش با زینب بود، بر روی نیزه... تندیمی از ظلم آرایز در شهر... و چه دردی می‌کشید خواهری که سر در بدن داشت و تنها از بردارش مانده همین بلندمرتبه سر... نمازهای نشسته زینب و خمیدگی قش از همین جا شروع شد و بره‌قه می‌کرد، نگاه‌نفرین شده کوفیان را... حالا اگر سیل لشکرها، کوفه را هم نابود کند کم است برای لحظه‌ای که صدای هل من ناصر حسین را تنها خودشن شنید و خودش... زینب است و غیرت حیدر، در رگ‌هایش زینب است و سربازی امام زمان را از فاطمه به ارث برد... زینب است و مظلومیتش بوی حسن را به مشام دل می‌برد... زینب است و خواهر حسین... که سرش برود، حق خدا را ناحق نخواهد کرد... زینب و روز یازدهم و فرافی که از همان روز، شکافت فرق حیات خواهر را... زینب است و کربلایی که حالا هزار و چهارصد سال است، دریای اشک دنیا، که از خطبه‌های او جوشان است... سلام علی قلب زینب البصیر... چیزی عوض نشده، کل بوم عاشورا و کل عرض کربلا مهدی فاطمه هم منتظر است... نامه بیعتی هست تا برای ظهورش حواله شهر انتظار کنیم؟ او منتظر ماست که ما برگردیم...